

کارکردهای سیاسی - اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار

حمید حاجیان پور*، معصومه دهقان**

چکیده: به منظور بررسی نقش سیاسی و اجتماعی زنان خاندان قاجار، مطالعه‌ی حرمسراهای این دوران اهمیت به‌سزایی خواهند داشت. موقعیت حرمسراهای دوره‌ی قاجار و کارکردهای سیاسی - اجتماعی آن، ضرورت تعمق در این نهاد را برای تبیین ساخت سیاسی دولت قاجاریه ایجاد می‌کند. برخی موضوعات، در محدوده‌ی کارکردهای حرم، اهمیت بیشتری خواهند داشت؛ از جمله: ۱- روند ورود زنان به حرمسراهای شاهان قاجار چگونه بوده‌است؛ ۲- زندگی آنان به عنوان زنان برخوردار و مرفه جامعه تحت چه شرایطی سپری شده‌است؛ ۳- فعالیت‌های اجتماعی، نحوه‌ی آموزش و همچنین موفقیت‌های آنان در زمینه‌های فرهنگی چگونه بوده‌است؛ مهم‌تر این‌که: ۴- ایفای نقش آن‌ها در بافت سیاسی کشور، چه پیامدهایی را به دنبال داشته است؟ نکته این است که نقش این لایه از قدرت در حوادث مهم عصر قاجار از جمله در نهضت تنباکو و جنبش مشروطه حائز اهمیت می‌باشد. یافته‌های این پژوهش گویای آن است که نحوه‌ی ورود زنان به حرمسرا، به صورت‌های مختلف بوده؛ به‌ویژه آن‌که مقاصد سیاسی در آن نقش تعیین‌کننده داشته‌است.

واژه‌های کلیدی: زنان حرمسرا، فتحعلی‌شاه، قاجار، مهدعلیا، ناصرالدین‌شاه، آغامحمدخان، مظفرالدین‌شاه.

مقدمه

مروری بر تاریخ ایران، این واقعیت را به اثبات می‌رساند که در هیچ برهه‌ای بانوان با اقتدار سیاسی و فرمان‌روایی بیگانه نبوده‌اند و حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی حتی در سطوح بالا، سابقه‌ای کهن دارد و آنان برحسب مقتضیات زمان، شرایط، موقعیت‌ها، برخی مصالح و پاره‌ای لیاقت‌ها قدرت را به دست گرفته‌اند. برای درک اوضاع زنان در ایران و نقش آنان در زندگی سیاسی باید بستر تاریخ اجتماعی و مسائل بنیادین هم‌چون منزلت پیشین بانوان در اجتماع را که وام گرفته از مجموعه ارزش‌ها، باورها و

Hhajianpour@yahoo.com

m_dehghan1358@yahoo.com

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز

** کارشناس ارشد تاریخ ایران اسلامی از دانشگاه شیراز

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۸/۲۳

سنت‌ها بوده‌است مورد مطالعه قرار دهیم و حضور تاریخی آنان را در سیاست و نقش بانوان را در تحولات اجتماعی گذشته مورد ارزیابی دقیق قرار دهیم. اگر به ارزش و مقام زن در ایران قبل از اسلام نظر کلی بی‌افکنیم می‌بینیم که در آن دوران اگر چه زنان به قدرت سیاسی بالایی در جامعه دست می‌یافتند؛ اما در اجتماع، از نظر نگرش به منزلت زن، وضع نگران‌کننده و اسفباری وجود داشت. با وجود آن که در دوره‌ی هخامنشی؛ در نتیجه تعالیم زرتشت، زنان کماکان از احترام و جایگاه نسبتاً برابر با مردان برخوردار بودند؛ اما در منابع، تنها نام زنانی از خاندان شاهی برده می‌شود که یا منشأ توطئه‌های چندی بوده‌اند و یا این که صاحب نفوذ و اثر بر شوهران ضعیفشان گردیده‌اند.

اما در دوره‌ی اشکانیان، در نتیجه‌ی ارتباط با تمدن یونان و روم موجبات فساد زنان درباری فراهم گردید و دربار اشکانی محلی برای رفاه‌زدگی، فساد و تجمل‌زدگی و مردانی شد که کاملاً از تمدن یونان و بعدها روم تأثیر پذیرفته بودند.

در مورد ساسانیان باید به نکاتی چند اشاره کرد، از جمله: ۱- در سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها نام زنان قدرتمندی وارد شد؛ ۲- مادران شاهان ساسانی و همسران آنها در امور کشورداری حضور پررنگ‌تری نسبت به دوره‌های قبل داشتند؛ ۳- گسترش حرمسراها مرکزی برای تجمع زنان خاندان‌های قدرتمند با آیین‌های مختلف گردید که نتیجه‌ی آن گسترش دسیسه‌بازی و فریب‌کاری‌های صاحبان قدرت، با نفوذ در حرمسراها بود. با آن که زنان در صدراسلام از قدر و مرتبه بالایی برخوردار بودند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی شرکت فعال داشتند، متأسفانه در دوره‌های بعد، این امر تا حدودی محدود گشته و بنا بر آداب و رسوم قومی جلوه‌ای دیگر به خود گرفت.

در دوره‌های گوناگون تاریخ ایران بعد از اسلام، هیچ‌گاه زن رسماً در امور سیاسی مملکتی دخالت نداشته‌است، مگر در مواردی خاص و استثنایی که شامل چند زن پادشاه یا حاکم و یا زنانی که بر اساس لیاقت و شهامت خاص و استداد فوق‌العاده به عرصه‌ی جامعه و سیاست قدم نهاده‌اند. در دوران استیلای عنصر ترک و مغول بر ایران، در موارد فراوانی به اهمیت و قدرت سیاسی زن برمی‌خوریم و همین خود سبب فراهم کردن زمینه‌ای موافق و مساعد در ایران برای زن در دوره‌های بعدی می‌شود. در این ادوار هم‌چنین، ایرانیان تلاش زیادی برای حفظ تمدن و فرهنگ خود انجام دادند؛ با این که تا حدودی موفق بودند، اما باید پذیرفت که وضع زن در جامعه‌ی ایران به‌ویژه در سطوح بالای اجتماعی تحول یافت؛ این تغییر بنا بر سنت‌های قبیله‌ای آسیای مرکزی صورت گرفت؛ چرا که مقام و موقعیت زن در بین آنها والاتر

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۵۵

از مقام وی در همان زمان در ایران بود. این وضع با پایداری حکومت‌های ترک و مغول در طی چندین قرن در ایران و نیز حضور دائمی قبایل وابسته به نژادهای فوق در طی قرن‌های آینده، منجر به شکل‌گیری نوعی نظام فکری در جامعه گردید؛ که زنان نیز می‌توانند در سطوح بالای حکومتی صاحب نفوذ شوند، هرچند نه خود به دنبال بالا بردن ارزش اجتماعی خود برآمدند و نه مردان مایل به ورود این زنان در عرصه‌ی مردگرایی جامعه‌ی ایران بودند. زمانی که به عصر قاجار می‌رسیم؛ تازه درمی‌یابیم که با وجود جدا شدن جامعه‌ی ایران طی قرن‌ها از عصر ساسانی و قبل از آن، هنوز موضوع مورد علاقه‌ی مردان صاحب قدرت، ایجاد حرمسرای است که انواع زنان از نژادهای مختلف، زبان‌ها و ویژگی‌های فردی متفاوت را در خود متمرکز سازد.

در این دوره زنان حرمسرا و درباری نقش خود را به‌طور مستقیم و در خلال اقدامات سیاسی، مانند مسئله‌ جانشینی شاهان، سیاست نزدیکی به امرای قدرتمند، عقد قراردادهای و همچنین تحت نفوذ آوردن حکام متمرکز به خوبی ایفا کردند.

در عصر قاجار هم‌زمان با ورود اندیشه‌های جدید، بیش از همه این زنان درباری و ساکن حرمسراها بودند که الهام گرفتن از فرهنگ بیگانه را در رأس امور روزمره خود قرار دادند. نفوذ زنان حرم در امور مردانه حکومت قاجار که به طرز مصرانه‌ای سعی می‌شد کاملاً مردانه جلوه کند؛ گاهی به روشنی ردپای زنانگی را نمایان می‌ساخت. نکته‌ی دیگر این‌که با وجود برخورداری‌های زنان طبقات بالا و بهره‌مندی از حمایت مردان قدرتمند و حتی دیدار و تعامل با زنان و مردان سیاست‌مدار اروپایی و حساسیت سیاحان فرنگی نسبت به زندگی و عملکرد آنان، منزلت و موقعیت اجتماعی آنان با زنان طبقات پایین چندان تفاوتی نداشت؛ حال آن‌که خود آن‌ها نیز تلاش چشم‌گیری در تغییر وضعیت خود نداشتند.

اهمیت تحقیق

تاریخ زن را باید مبحث جدیدی در تاریخ‌نگاری ایران محسوب کرد. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، نیمه‌ای که در گذشته به آن توجه نمی‌شد. مردانی که تاریخ می‌نوشتند، به آسانی از کنار زنان می‌گذشتند. مردان فعالیت‌های خود را مهم می‌دانستند و مشغله‌ی زنان را بی‌اهمیت تلقی می‌کردند. اگر هم از زنی صحبت می‌شد، او را با معیارهای مردانه می‌سنجیدند؛ اما باید دانست که بدون توجه به نقش زن در اجتماع، چشم‌انداز تاریخ فردای ما روشن نخواهد شد.

در تاریخ‌نگاری نو، زنان نیز به عنوان جزء مهمی از اجتماع، همان‌طور که در جامعه ایفای نقش می‌کنند در تاریخ نیز بایستی حضور یابند؛ اگر آن‌ها را از تاریخ حذف کنیم و پس‌زمینه قرار دهیم؛ هر نوع تحقیق تاریخی محدود و دور از واقعیت خواهد بود.

اگر سفرهای ناصرالدین‌شاه به اروپا اهمیت تاریخی دارد و مرحله‌گذار محسوب می‌شوند؛ اگر تأسیس دارالفنون، تشکیل شورای دولتی باعث تحول جامعه شده‌اند؛ چرا نباید بپرسیم در منازل مردانی که مصدر کار بودند چه می‌گذشته؟ زنانی که غالباً بی‌سواد بودند، چگونه از عهده‌ی تربیت فرزندان خود بر می‌آمدند و زوجات متعدد و فرزندان بسیار چه تأثیری در اجتماع داشتند؟ و به‌طور کلی زنان در جامعه‌ی مردسالار قاجار خودشان را چگونه می‌دیدند؟

نامه‌ای از ام‌الخاقان، همسر مظفرالدین‌شاه، خطاب به فرمانفرما موجود است با مضمون: «قریبات شوم، ان‌شاءالله وجود عزیزت سالم است. بعضی حرف‌ها از مردم می‌شنوم، با عقل شما باور نمی‌کنم، زیرا شغل‌ها دو تا پول ارزش ندارند. البته عقل خودت از من بهتر است؛ من زن هستم» (اتحادیه، ۱۳۸۰: ۱۵۷). این جمله از یک بانوی درباری، دید کل جامعه‌ی زنان در تاریخ قاجار را می‌تواند به خوبی به تصویر بکشد. پس بسیار مهم است که گوشه‌ای از تاریخ ایران را نیز به بررسی وضعیت زنانی اختصاص دهیم که در تاریخ مردانه‌ی ایران یا گم شده‌اند یا آن‌قدر کم‌رنگ هستند که به چشم نمی‌آیند.

طرح مسئله

- چگونه حرمسراهای شاهان قاجار محل تجمع زنان از گروه‌های مختلف گردید؟
- زندگی اندرونی زنان حرمسرا چگونه می‌گذشت؟
- آیا زنان حرمسرا در زمینه‌های اجتماعی نقش‌آفرین بوده‌اند؟
- آیا از نظر فرهنگی پیشرفتی در بین زنان حرمسرا صورت گرفته بود؟
- چگونه زنان درباری در مسائل سیاسی دولت قاجاریه اهرم فشار واقع شده و ایفای نقش می‌کردند؟

فرضیه‌های تحقیق

اجتماع زنان در حرمسراهای عهد قاجار به دلایل سیاسی و تأمین آرامش انجام می‌گرفت. علاوه بر آن رسم تعدد زوجات در جامعه‌ی آن روز چندان ناپسند و نادر نبود.

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۵۷

زندگی در اندرون شاهی با رعایت سلسله مراتب خاصی در جریان بود. حرمسرا کانون کشمکش میان زنان بود؛ تفاوت در اصل و نسب، احترام نزد شاه و به دنیا آوردن فرزند ذکور از جمله عوامل بحران بین زنان حرمسرا به حساب می‌آمد. انجام امور مذهبی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور اجتماعی زنان بوده است. هم‌چنین حضور زنان در جشن‌های ایام نوروز، اعیاد مذهبی نیز قابل توجه است. روزانه تعدادی از اساتید جهت آموزش به دختران و زنان حرمسرای شاهی به آن‌جا رفت‌وآمد می‌کردند. هنرهای مختلف و نیز تعالیم مذهبی و قرائت قرآن در حرمسرا رواج داشت و زنان اندرونی به پشتوانه‌ی قدرت خود در مسائل گوناگون اعمال نفوذ می‌کردند، زنان حرمسرا در عزل و نصب صدراعظم‌ها و مردان سیاسی عهد قاجار بسیار صاحب اثر بوده‌اند.

الف- چگونگی راه‌یابی زنان به حرمسرا

خواست و علاقه‌مندی شاه: هر چند به دلایلی چون: انقلاب مشروطه، بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جو انتقادی حاکم بر مطبوعات و عواملی دیگر، در اواخر دوره‌ی قاجاریه در قیاس با گذشته به وجود حرمسرا در دربار برخورد نمی‌کنیم، با این وجود، یک ویژگی برجسته‌ی تاریخ قاجار تا پیش از انقلاب مشروطه، وجود حرمسرا در ابعاد گسترده در دربار بوده‌است. این واقعیت به‌ویژه در دوره‌ی سلطنت فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه که قریب نودسال بر ایران حکومت کردند، ملموس‌تر بوده‌است (دلریش، ۱۳۷۴: ۶۶).

گرایش به گردآوری زنان در دربار، در زمان آقامحمدخان - اولین شاه این سلسله، با وجود این‌که وی مقطوع‌النسل بود- شروع شد؛ او از یک‌سو مکرر از جانب نزدیک‌ترین کسان و سرسخت‌ترین دشمنانش با لقب تحقیرآمیز اخته‌خان مواجه می‌گشت؛ و از سوی دیگر سعی می‌کرد تا طبق یکی از نمودهای برجسته هر حاکم ایرانی، صاحب حرمسرای وسیعی باشد. وی با بیوه‌های برادر خود- جهانسوز- گلبخت‌خانم و مریم‌خانم ازدواج کرد. افزون بر این، در کنار زنان عقدی خود، زنان متعدد و بی‌نام و نشانی را در دربار گردآورد و خشونت جان‌گذاری در مرادده با آن‌ها اعمال می‌داشت (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۷۸).

منابع تاریخی دوره‌ی قاجاریه از هزاران زن در دربار فتحعلی‌شاه (سپهر، ۱۳۲۹: ۳۲۸) سخن به میان آورده‌اند. در کتاب‌های تاریخی از ۱۵۸ تن از این زنان و ۲۶۲ فرزند دختر و پسر از فتحعلی‌شاه ذکر شده است. این کثرت زنان و اولاد وی جلب توجه زیادی نموده‌است:

«از بدو ایجاد عالم تا حال، احدی از نسل آدم به کثرت اولاد و احفاد او نبود . . . و عدت اهل حرمسرای

آن حضرت تخمیناً پانصد نفر می‌شوند که . . . علی‌الدوام [با آنان] به عیش مشغول بود» (شیبانی، ۱۳۶۶: ۵۵).

۵۸ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۸

فتحعلی‌شاه ناظر برادر خویش - حسینعلی‌خان - را می‌کشد تا همسرش را به نکاح خود درآورد (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۷۵). سنبل‌خانم مادر شعاع‌السلطنه نیز از اسرای کرمان زمان آقامحمدخان بود (همان: ۸). در زمان حکومت محمدشاه، از هیاهوی حرمسراها خبری نبود؛ به گفته عبدالله مستوفی: «محمدشاه برعکس جدش کاری، مطلع، قانع، خداترس و مهربان بود. زن زیاد نمی‌گرفت. به حقیقت و معنی بیشتر از لفظ و صورت ظاهر معتقد بود» (مستوفی، ۱۳۶۰: ۴۲).

حرمسرای خالی محمدشاه در دوران حکومت پسرش ناصرالدین‌شاه، دوباره سرشار از همه‌های شادی و کام‌جوئی گردید «شاه به باغات و بیلاقات می‌رفت، برحسب تصادف دختری در کنار نه‌ری آمده بود آب ببرد. شاه می‌دید و می‌پسندید؛ بعد از استرضای پدر و مادر به حرم خانه وارد می‌گشت و به‌وسیله‌ی صیغه‌خوانی شیخ‌حرم (شیخ‌اسدالله) زن شاه بود» (مستوفی، ۱۳۶۰: ۳۷۸). اعتمادالسلطنه از رجال دربار ناصری در یادداشت‌های روزانه‌ی خویش در حوادث دوشنبه آخر ربیع‌الثانی سال ۱۳۵۲ ه.ق می‌نویسد: «بندگان همایون بعد از ماه صفر تا به حال سه دختر صیغه نمودند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۲۸۳).

در راستای تحقق همین لجام‌گسیختگی بود که در محافل و مجالسی که ناصرالدین‌شاه حضور می‌یافت، زنان علیرغم تقیدی که به حفظ حجاب داشتند، مجاز به رعایت آن نبودند (مستوفی، ۳۸۲: ۱۳۶۰).

عواملی چون پیدایش نهضت مشروطه، فقر اقتصادی کشور و ضعف مزاج مظفرالدین‌شاه، جانشین ناصرالدین‌شاه، سبب شد که حرمسرای او فارغ از دبدبه و کبکیه باشد. در افواه درباریان، شاه به داشتن (شش تا و نصفی زن) مشهور بود. چنین اعتقادی را اطرافیان شاه، به طعنه و با اشاره به سست عنصری او عنوان می‌کردند (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۱۰۸).

با روی کار آمدن محمدعلی‌شاه و با توجه به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی و روشنگری‌های روشن‌فکران در اعتراض به برپایی حرمسراها، دیگر وضع حرمسراهای دربار فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه تکرار نشد. در واقع به میمنت این فشارها بود که محمدعلی‌شاه دارای یک زن عقدی بود. احمدشاه وارث و پسر محمدعلی‌شاه نیز تنها سه‌بار آن هم برای داشتن ولیعهد ازدواج کرد و فاقد حرمسرای گسترده بود. پیشگامی: به‌طور کلی در کنارعلاقه‌مندی شاهان قاجار به ایجاد حرمسرا که منجر به جمع‌آوری ۱۷ زن در دربار آقامحمدخان قاجار و نزدیک به هزاران در دربار فتحعلی‌شاه (سپهر، ۱۳۳۹: ۳۲۸) و کمتر از ۵۰۰ زن در دربار ناصرالدین‌شاه گردید، قطب‌های کوچک و بزرگ قدرت نیز به رشد و توسعه‌ی حرمسراهای دربار قاجار یاری می‌رساندند. آنان با پیشکش کردن دخترانی از خاندان خویش به شاه وقت، سعی می‌کردند

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۵۹

تا ضمن تثبیت موقعیت فعلی خویش به اهدافی چون احراز مناصب جدید و داشتن منبع اطلاعاتی در دربار (در قالب همسرشاه) دست یابند. چنان‌که از همین طریق شاه را بر وفاداری و حسن نیت خود نیز واقف می‌ساختند؛ اللهیارخان حاکم عصیانگر سبزواری، به منظور ابراز وفاداری خود به فتحعلی‌شاه، دختر خود را روانه دربار او می‌دارد (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۵۵). دو تن از زنان ناصرالدین‌شاه در اصل هدایایی از جانب اعیان شیراز بودند (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۶۱).

از جانب دیگر زنان قدرتمند حرم که به عللی از مرکز توجه شاه خارج شده بودند؛ برای این‌که شاه را متوجه حسن نیت خود کنند و وی را به خانه خود جلب کنند، با پیشکش کردن دختران متعدد به شاه وقت یا جمع کردن دختران زیبا در اطراف خود، مایه‌ی تراکم زنان در دربار می‌شدند: «خانم‌های جافتاده‌ی حرم برای تحصیل تقرب، از این جوجه رقیب‌ها، برای خود خیلی به دم پر شاه می‌دادند...» (مستوفی، ۱۳۶۰: ۳۷۸). چنان‌که مادر شاهزاده ملک‌قاسم‌میرزا که رضای حضرت خاقان (فتحعلی‌شاه) را بر همه چیز ترجیح می‌داد، چند نفر از خدمت‌کاران خود را به حضور وی تقدیم کرد، از جمله آن‌ها: خوش‌نماخانم مادر زن سپهدار؛ نقیبه بادم‌خانم مادر شاهزاده الهوردی‌میرزا؛ پریخان ملقب به سردارخانم مادر ملک‌ایرج‌میرزا و... (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۵) بوده‌اند. گزارش اعتمادالسلطنه حاکی از آن است که امینه‌اقدس، سوگلی ناصرالدین‌شاه، هرچند یک‌بار زنی را برای وی تدارک می‌دید (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۳۸۱).

از دواج‌های سیاسی: سلاطین قاجار نیز به منظور کاهش جو خصومت و با تصور وفاداری بیشتر خویشاوندان به نظام، پیش‌قدم بسیاری از ازدواج‌ها بودند که جز ازدواج مصلحتی و یا سیاسی بر آن نامی نمی‌توان گذاشت (دلریش، ۱۳۷۴: ۶۷). آقامحمدشاه روزی به فتحعلی‌شاه خطاب کرد که: «من جماعت قاجار دولو را با دولت خویش شریک ساختم، تو می‌باید دختر میرزامحمدخان قاجار دولو را با عباس‌میرزا که ولیعهد دولت است به شرط زناشویی بازگذاری و فرزند ایشان که از سوی مادر دولو و از جانب پدر قوانلو خواهد بود، نیز ولیعهد دولت خواهد گشت؛ چون به سن رشد و بلوغ رسد، هم‌چنین تو زنده باشی از بهر او دختری از جماعت قوانلو ضجیع فرمای تا فرزند ایشان از دو جانب نسب به قوانلو رساند و چون پادشاه باشد همه قوانلو باشند... برهان سخن وی ناصرالدین‌شاه است» (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۸۵).

آقامحمدخان وقتی بر قادرخان عرب از حاکمان بسطام دست یافت، این خانواده را در تهران مسکن داد و بدرجهان‌خانم دختر وی را به نکاح باباخان (فتحعلی‌شاه) که در آن موقع یازده سال داشت درآورد» (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۱۳).

فتحعلی‌شاه به منظور ایجاد حس فرمان‌برداری بیشتر در احمدخان بیگلر بیگی تبریز، ضمن ازدواج با یکی از دخترانش، دختر دیگر او را به عقد فرزند ارشد خود محمدعلی‌میرزا درآورد (همان، ۱۳۲۸: ۲۸). کلنل کاساکوفسکی در مقام کارگزار سیاسی و نظامی روسیه در ایران، در مورد ازدواج‌های سیاسی در دربار ناصری می‌گوید: «حرمسرای ناصرالدین‌شاه متشکل از چند زن که اکثر از میان متنفذترین طبقات جامعه گرفته شده بود. نه فقط با اعیان و اشراف ایران که در رأس امور قرار گرفته و در خود تهران می‌زیستند؛ بلکه حتی با دور افتاده‌ترین گوشه‌وکنار کشور ایران نزدیک‌ترین وابستگی خویشاوندی داشتند...» (کاساکوفسکی، ۱۳۵۵: ۱۶۱).

علاوه بر این که ازدواج‌های سیاسی یکی از راه‌های تراکم زنان در حرمسرا بود؛ دختران خاندان سلطنتی نیز با اهداف سیاسی - برای جلب رضایت وفاداری حاکمان و مردان سیاسی و رؤسای قبایل - در معرض چنین ازدواج‌هایی قرار داشتند. ازدواج در میان طبقات بالای کشور یک امر مصلحتی بود، غالباً مردان مجبور می‌شدند، با زنانی ازدواج کنند که هرگز آن‌ها را ندیده بودند و علاقه‌ای هم به زندگی با آن‌ها نمی‌توانستند داشته باشند. این مقامات در صورت داشتن زن و فرزند بایستی همسر قبلی خود را طلاق داده و به نواحی دوردست تبعید می‌کردند و اجازه‌ی داشتن همسری به جز دختران خاندان سلطنتی نداشتند (بروگشن، ۱۳۶۸: ۲۰۲). با توجه به اسامی که لسان‌الملک در کتاب ناسخ‌التواریخ آورده‌است ۴۸ تن از دختران فتحعلی‌شاه به ازدواج دولت‌مردان، حاکمان و رؤسای ایلات مختلف درآمده‌اند. خاقان خود به سران عشایر تکلیف کرد تا تعدادی از شاهزاده خانم‌ها را به زنی بگیرند. تا از این رهگذر آن‌ها را به سلطنت نزدیک کند (پولاک، ۱۳۶۱: ۳۳۱).

از جمله دختران فتحعلی‌شاه که سرنوشت سیاسی داشتند؛ مریم‌خانم همسر الله‌یارخان آصف‌الدوله؛ عزت‌نسا خانم - همسر موسی‌خان پسر حسین‌قلی‌خان جهانسوز - که بعد از مرگ شوهر به همسری حاج میرزا آقاسی درآمد؛ حسن‌جهان‌خانم همسر والی کردستان؛ ماه‌بیگم‌خانم همسر سپهدار عراق؛ فتحعلی‌شاه^۱ سروجهان‌خانم همسر آقاخان حاکم محلات؛ آقاییگم همسر میرزا علی‌اکبر هزارجرسی ملاباشی؛ خورشیدخانم همسر عباس‌قلی رئیس ایل افشار خمه‌سه و... (سپهر، ۱۳۳۷: ۲۸-۳۲۵). میرزا حسین‌خان سپهسالار با یکی از شاه‌دخت‌های اصیل - یعنی دختر فتحعلی‌شاه - به نام ماه‌تابان‌خانم ملقب به قمرالسلطنه ازدواج کرد

^۱ بعضی از همسران فتحعلی‌شاه لقب فتحعلی‌شاه داشته‌اند؛ در منابع تنها به این لقب اشاره شده است و دلیل آن را ذکر نکرده‌اند.

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۶۱

(کارلاسرنه، ۱۳۶۲: ۱۰۹). این گونه ازدواج‌ها حتی واسطه‌ی ایجاد حلقه پیوندی بین سلاطین قاجار با روحانیون نیز می‌گردید- همان‌طور که در مورد دختران فتحعلی‌شاه نام برده شد- ناصرالدین‌شاه نیز یکی از دختران خود را به ابوالقاسم امام جمعه داد، این ازدواج مصلحتی نقل محافل و مورد تمسخر اهالی شوخ‌طبع قرار گرفت (کارلاسرنه، ۱۳۶۲: ۷۸).

ب- اداره‌ی حرمسرا

اداره‌ی حرمسرا معمولاً از طریق خواجه سرایان انجام می‌گرفت. زیرا به غیر از شاه تنها خواجه‌ها بودند که اجازه داشتند به حریم حرم نزدیک شوند. نگهداری اندرون شاهی به عهده‌ی سه گروه خاص بود: ۱- سربازها که از ارگ و اطراف آن حفاظت می‌کردند؛ ۲- فراش‌ها و کلفت‌ها و نوکرها (خواجه‌ها)؛ ۳- دیگر کارکنان از قبیل باغبان، چراغچی، جاروکش و... (کسری، ۱۳۸۸).

اندرون شاهی دوره‌ی فتحعلی‌شاه



نظارت بر امور حرم‌خانه به خواجهگان قدرت و ثروتی فراوان می‌بخشید دده‌باشی لقب افتخاری کنیزان اندرون و خواجه‌باشی لقب مردان آن‌ها بود. یک یا چند نفر از این خواجهگان که مورد اعتماد شاه بودند به مقام آغاباشی انتخاب می‌شدند و وظیفه نظارت و کنترل اعمال و رفتار خواجه سرایان و کنیزان را بر عهده داشتند. آغاباشی یکی از مقامات مهم دربار قاجار به‌شمار می‌رفت (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۵-۸۴).

۶۲ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸

مخارج حرمسرا بسیار زیاد بود، تعدد زانی که هر کدام خود را ذی حق در ثروت شاه می دانستند ایجاد کاخ‌ها و باغ‌های مجلل را می طلبید که تأمین این هزینه‌ها بر دوش مردم گذاشته می شد (هدایت، ۱۳۶۲: ۵). اولیویه یکی از دیدارکنندگان ایران در عصر قاجار مخارج حرمسراهای قاجار را بیشتر از حرمسراهای اتراک عثمانی می داند (اولیویه، ۱۳۷۱: ۱۵۹).

علاوه بر مالیات‌ها که صرف مخارج عمومی دربار می گشت، حقوق خاصی که به زنان داده می شد حواله به گمرکات بود که هر ماه تحویل اعتمادالحرم^۲ می شد و او پس از تقسیم نزد زنان حرم می فرستاد و به فراخور میزان مبلغ برای خود حق حساب برمی داشت (کسری، ۱۳۸۸). هریک از زنان به میزان نفوذ و اعتباری که نزد شاه داشتند حقوق متفاوتی داشتند. دختران و پسران شاه نیز تا زمانی که در حرم زندگی می کردند، حقوق دریافت می کردند. در زمان ناصرالدین شاه زنان درجه ۱ اول ماهی ۷۵۰ تومان و زن‌های درجه ۲ دوم از ۲۰۰ تا ۵۰۰ تومان و زنان موقت و درجه ۳ سوم از ۱۵۰ تا ۱۰۰ تومان مقرری دریافت می کردند. دخترهای بزرگ شاه سالی هزار تومان حقوق داشتند (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۱۵).

در زمان ناصرالدین شاه مخارج کشوری از جمله هزینه‌ی گزاف حرمسرا از طریق وصول پول از انگلستان و دیگر دول خارجی تأمین می شد (سلطانی مقدم، ۱۳۸۸).

پ- زندگی اجتماعی زنان درباری

داشتن زنان متعدد و نگهداری از آن‌ها در چهاردیواری حرمسرا، با توجه به حسادت‌ها و رقابت‌های میان آنان، شاهان قاجار را با دشواری‌هایی روبرو می ساخت. زانی از نژادهای مختلف ترکمان، گرجی، کرد، ترک، چرکس و جز آن‌ها که نه خود و نه فرزندان‌شان با یکدیگر انس و الفتی نداشتند، رقابت و دشمنی سختی را در دربار و حرمسرا موجب می شدند. این اختلاف بر سر مسئله‌ی ولایت‌عهده‌ی آن چنان زبانه می کشید که نه تنها سراسر مملکت در این فتنه می سوخت؛ بلکه پای روسیه و انگلیس نیز در امور داخلی دربار باز می گشت. این مسئله با توجه به شمار زنان و این که آن‌ها هیچ‌گونه نقش فعالی در امور خانواده نداشتند و در صورت داشتن نوزادانی، دایه‌ها، عهده‌دار پرورش آن‌ها بودند، بگرنج بودن خود را هر چه بیشتر نشان می دهد. درب اندرون ناصرالدین شاه به شدت توسط خواجه‌ها نظارت می شد و ورود و خروج از آن با اجازه رئیس خواجه‌ها بوده است. حتی اگر بانوان برای رفتن به جایی از شاه کسب اجازه می کردند، رئیس

^۲. اعتمادالحرم یکی از مناصب درباری بود.

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۶۳

خواجها در صورتی که صلاح نمی‌دید می‌توانست با آن مخالفت کند. ورود طبیب هم به اندرون زنان برای معاینه زنان بیمار صرفاً با کسب اجازه از او امکان‌پذیر بود (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۱۴).

با این وجود تلاش‌هایی صورت می‌گرفت تا به‌طریق مختلف کسالت‌های ناشی از بیکاری زنان حرم کاهش یابد. هم‌راهی با شاه در مسافرت‌ها و حتی لشکرکشی‌ها، یکی از راه‌های سرگرمی آنان بود؛ فتحعلی‌شاه به هنگام یکی از مسافرت‌های داخلی‌اش حدود صد تن از زنان خویش را در رکاب داشت. پانصد تن از بانوان درباری در یکی از مسافرت‌های ناصرالدین‌شاه او را هم‌راهی می‌کردند (فوریه، ۱۳۲۵: ۵۴). پولاک در سفرنامه‌اش وضعیت زندگی و ظرایف درونی حرمسرا را با دقت توصیف می‌کند:

«روی هم رفته سرنوشت زنان شاه به هیچ وجه نمی‌تواند مایه رشک و حسرت باشد. نه تنها از این جهت که غالباً شاه به یکی می‌پیوندد و از دیگران می‌برد، بلکه از این بابت که این‌ها کاملاً جدا از دیگران و تقریباً در اسارت به‌سر می‌برند، آن‌ها مستمری ماهیانه‌ای دارند؛ زیرا هر زنی برحسب درجه و مقام و برای حفظ امنیت شخصی خود ناچار است، آشپزخانه خاص داشته‌باشد و غلام و کنیز مخصوص نیز برای برقراری ارتباط و مراد با عالم خارج نگهدارد» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۶۳).

سیاح دیگر اروپایی، جنبه‌های غیراخلاقی زنان حرم را مورد اشاره قرار می‌دهد:

«زنان گرچه در حرمسرا ارتباطی با خارج ندارند ولی هر وقت که بخواهند می‌توانند به عناوین مختلف از آن‌جا خارج شوند و اگر احياناً ناپاک باشند؛ مرتکب کارهای خلاف هم بشوند» (بروگسن، ۱۳۶۸: ۲۰۲).

اعتمادالسلطنه با افسردگی خاطر دایمی که از خصلت‌های اخلاقی اوست؛ دربار شاه را محل فساد می‌دید و رفتار زنان را نیز چه در دربار و چه در خارج از دربار هم‌چنان منحنی می‌دانست: «مادر نایب‌السلطنه به واسطه عید مولود حضرت فاطمه (ع) به سبک همه ساله عید گرفت. خیلی مفصل... مطرب‌های کورالبصر، مطرب‌های اسپانیولی که چندی قبل به تهران آمده بودند، به آن نمونه پوشانده روی صندلی آن‌ها را جا داده‌بودند و خود مادر نایب‌السلطنه جواهر مفصلی به‌خود زیور نموده بود» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۵۵۰).

فروغ‌الدوله صیغه‌ی شاه، «جواهر زده و بزک کرده» به زیارت حضرت عبدالعظیم رفته بود (همان: ۱۲۰۲)، و نیز آورده؛ که هنگام اسب‌دوانی، تجیری بالای پشت‌بام حرم‌خانه کشیده بودند که اهل حرم از پشت آن اسب‌دوانی را تماشا کنند ولی بعضی از زن‌ها «از تجیر تجاوز کرده این طرف آمده بودند» ... و وقتی اعتمادالسلطنه شاه را ملتفت می‌کند، شاه «با فحش و تهدید زن‌ها را به آن طرف تجیر فرستادند» (همان: ۹۹۵). از گزارش‌های اعتمادالسلطنه برمی‌آید که درمیان برخی زنان، روش معمول زندگی در حال

۶۴ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۸

دگرگونی بود. ارتباط بیشتر ایران با خارج، مدارس میسیونری فرنگی و نشر کتاب، در این تحولات بی‌تأثیر نبودند. ارتباط اشراف با خارجیان نیز، در این تحول تأثیر داشت. چنانچه مردان در میهمانی‌های دیپلمات‌ها با زنان خارجی معاشرت می‌کردند و زنانشان نیز با زنان خارجی رفت‌وآمد داشتند.

مشارکت در ساختار اداری حرم: به‌نظر می‌رسد از جمله روش‌هایی که برای رفع ملال و سرگرمی زنان درباری در نظر گرفته می‌شد، واگذاری مناصب تشریفاتی حرمسرا به آنان بود (دلریش، ۱۳۷۴: ۷۰). منابع این دوران، ساختار اداری حرم را در اختیار ما قرار می‌دهند: «ننه‌خانم یا حاجیه نامی از زنان فتحعلی‌شاه، مسئول نظارت بر چند نفر از زنان شاه بود که عهده‌دار کارهای نمازخانه و ایوان نشیمن قصر شاهی بودند ... برخی زنان مسئول قصه گفتن شاه بودند. تعداد کثیری از زنان اندرونی همین شاه، مسئول نگهبانی بخش‌های مختلف حرمسرا بودند و سه زن که (سرکشیک) نامیده می‌شدند، مسئول نظارت بر دیگر زن‌های کشیک بودند» (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۱۶ و ۱۷).

تعدادی از زنان نیز مسئول بردن غذای شاه و تعدادی متصدی امور قهوه‌خانه و قلیان وی بودند (همان: ۳۷-۳۵، ۲۹-۲۸، ۹۰-۸۹). گروه‌های موسیقی حرمسرا شامل: گروه استادمینا که همسر مصطفی‌خان عمو و شاگرد مهرباب ارمنی؛ استاذزهره که زوجه‌ی جعفرقلی‌خان عمو و شاگرد رستم یهودی‌شیرازی بود که در علم موسیقی نیز کم‌نظیر بودند. امور مربوط به آن‌ها توسط گل‌بخت‌خانم و کوچک‌خانم از همسران فتحعلی‌شاه اداره می‌شد و هر کدام از این دو خانم زیر نظر خازن‌الدوله بودند (همان: ۲۰-۱۸).

فتحعلی‌شاه هم‌چنین به زنانی که از خانواده‌ی قاجار یا سایر بزرگ‌زادگان بودند امر فرمود که یکی از شما باید به‌جای مهدعلیا در حرم‌خانه، سلطنت رئیس و مقتدر باشید و مابقی در جمیع امورات به اجازه‌ی او رفتار نمایند. به احترام آن مرحوم، گلبدن‌باجی که از کنیزان مهدعلیا بود؛ به این رتبه انتخاب شده، آن‌چه نقود و اجناس جواهر و غیره در صندوق‌خانه بود، متصرف شد. وی به لقب صندوق‌دار امتیاز یافت و نقش مهرش این بود: معتبر در ممالک ایران قبض صندوق‌دار شاه‌جهان

اعتبار این مهر به حدی بود که اگر کرور کرور از تجار و سایرین می‌خواست بی‌تشویش تحویل می‌کردند. وی زنان دیگری را نیز زیردست خود گرفت (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۸-۷-۶ سپهر، ۱۳۳۷: ۳۳۲). تدبیر در اداره‌ی امور حرم‌خانه و صندوق خزائن موجب علاقه‌ی شاه به گلبدن‌خانم شد و او را به عقد دائمی درآورد و از شاه لقب خازن‌الدوله گرفت. مهر شخص شاه در نزد وی نگهداشته می‌شد (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۱۷۲). ضیاءالسلطنه دختر فتحعلی‌شاه نیز در صندوق‌داری به او کمک می‌کرد، چنانچه در سفر شاه به کسی

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۶۵

مرحمتی می‌شد وی آن را به گلبدن گزارش می‌کرد (همان: ۳۰). در دوره‌ی ناصرالدین‌شاه ریاست تمام زنان حرم‌خانه با مهدعلیا بود و اغلب امور مهم حرم‌خانه را وی به انجام می‌رساند (ویلس، ۱۳۶۳: ۵۲).

ردیف	نوع شغل	توضیحات
۱	تقسیم غذای اندرون	خانم کوچک دختر تقی‌خان و نبیره‌ی کریم‌خان زند در عهد فتحعلی‌شاه عهده‌دار این وظیفه بود. بدیهی است چنین وظیفه‌ای فقط به افراد مطمئن سپرده می‌شد (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۸۹).
۲	نظارت خانه اندرونی شاه	این مقام در زمان فتحعلی‌شاه به عهده دلبر خانم بود (همان).
۳	نظارت بر زنان	ناصرالدین‌شاه همیشه سه یا چهار نفر از زنان عاقله را که دارای کفالتی بودند به عنوان ریاست زنان دیگر انتخاب می‌کرد و به هر یک از آنها تعدادی از خانم‌ها را می‌سپرد و احتیاجات آن‌ها را به‌وسیله این زن‌ها برطرف می‌گردید (تاج السلطنه، ۱۳۷۱: ۶۱).
۴	نظارت بر خزانه‌ی اندرون	از زمان فتحعلی‌شاه خزانه تقسیم شده بود یکی از این خزانه‌ها خزانه طلا و جواهرات بود که زیر نظر و مهر و کلید شاه قرار داشت و شاه نگهداری از این صندوق‌ها و جواهرات را به یکی از زنان خود می‌سپرد. این مقام در زمان ناصرالدین‌شاه متعلق به کنیز کردی به نام فاطمه بود (فوریه، ۱۳۲۵: ۸۵).
۵	نگهداری از وجوه تقدیمی و پیش‌کشی	این وجوه در زمان ناصرالدین‌شاه به امین‌ها قدس، یکی از زنان با نفوذ شاه سپرده شده بود تا در آخر سال تقدیم خزانه شود (عضدالدوله، ۱۳۷۶: ۱۷).
۶	نامه‌نگاری به امپراتریس‌های دول خارجی و زنان سفرا و پذیرایی از میهمانان زن خارجی که به حرم می‌آمدند	این مقام یکی از شغل‌های مهم بود که در زمان فتحعلی‌شاه مختص آغا باجی بود بعدها به مهد علیای سوم (ملک جهان خانم) و بعد از مرگ وی به انیس‌الدوله سوگلی ناصرالدین‌شاه سپرده شد.

*موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، نشریه الکترونیکی زنان، شماره ۱۶

امور مذهبی: دیدار و زیارت اماکن مذهبی نیز از جمله دل مشغولی‌های اهل حرم بود؛ جمعی از خادمان «حرم محترم پادشاه ایران، فتحعلی‌شاه در سال ۱۳۳۶ هـ.ش اجازه یافتند تا در معیت قافله‌های حج از راه ارزنه‌الروم به مکه مشرف شوند» (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۳۸). در حرمسرا بعضی از بانوان اظهار تقدس می‌کردند و شنیدن موسیقی را حرام می‌دانستند، و مخصوصاً در شب‌های جمعه و شب‌های متبرکه به عبادت و خواندن دعا و قرآن مشغول بودند (اعظام قدسی، ۱۳۴۲: ۶۰).

در روزهای سوگواری عاشورا، دختری از دختران اندرونی آغامحمدخان، در حالی که سراپا سیاه می‌پوشید؛ به منبر می‌رفت و با ذکر مصائب شهدای کربلا، زنان حرمسرا را غرق در شیون و زاری می‌ساخت. ننه‌خانم مشهور به حاجیه از زنان فتحعلی‌شاه استاد نمازخانه‌ی اطلاق شاه بود و منبر روضه‌خوانی با خیرنساخانم بود که روز عاشورا به منبر می‌رفت و اشعار سینه‌زنی می‌خواند و تمام اهل حرم در پای منبر سینه می‌زدند (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۱۸-۱۴).

۶۶ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

در ایام عزاداری ماه محرم، تکیه‌هایی برای زنان اندرونی تشکیل می‌شد که از در بزرگ تا در تکیه دولت پرده‌ای توری می‌کشیدند و خیابانی به اندازه‌ی سه متر را به خانم‌های حرم اختصاص می‌دادند که با میهمانانشان از آن جا می‌گذشتند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۶۴). در کنار شاه، جایگاه عموها، مقامات درجه اول مملکتی و وزیر مختار روس و انگلیس بود. سمت چپ او؛ جایگاه مادرشاه، همسران درجه اول او و همسر وزیر مختار روسیه و انگلیس بود. این مراسم تا روز عاشورا ادامه داشت.

علاوه بر این، هر یک از خانم‌های طراز اول حرم، هم‌چون انیس‌الدوله و شکوه‌السلطنه در خانه‌های خود مجالسی برپا می‌کردند که در پایان مجلس عزاداری و شنیدن ذکر مصیبت، به خوردن برنج و عدس بوداده و کشیدن قلیان می‌پرداختند. خواهر ناصرالدین‌شاه، عزت‌الدوله-که همسر یحیی‌خان معتمدالملک بود- نیز مراسم تعزیه‌خوانی با شکوهی برپا می‌کرد (مستوفی، ۱۳۶۰: ۲۹۹).

در ماه رمضان در اندرون مجلس وعظ و نماز برگزار می‌گردید؛ پرده‌ای آویخته، آن سوی پرده منبری نهاده و ترتیب مهرابی می‌دادند و شیخ سیف‌الدین برادر شیخ‌الرئیس از شاهزادگان، که به لباس اهل علم درآمده بود، به نماز می‌ایستاد. این سوی پرده زنبوری، بانوان، صف آراسته و اقتدا می‌کردند. پس از نماز، شیخ مزبور به منبر می‌رفت و خانم‌ها از پس پرده سؤال‌های مذهبی مطرح می‌کردند. شب‌ها، زنان سالخورده شاه در منزل یک‌دیگر محفلی تماشایی برای مطالعه قرآن و طرح مسائل شرعی برپا می‌ساختند و شیخ اسدالله، قاری نابینا، اصلاح قرائت و حل مسائل می‌کرد (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۶۸). همین منابع تأکید می‌ورزند که ناصرالدین‌شاه در ادای فرایض مذهبی اهتمام داشت. هر بامداد در سرحمام چند صفحه از کلام ربانی تلاوت می‌کرد و هرگز نمازش ترک نمی‌شد، به مسائل مذهبی اهمیت بسیار می‌داد و اعیاد مذهبی را جشن‌های باشکوه برگزار می‌کرد (همان، ۱۳۶۱: ۵۳).

زنان برجسته‌ی خاندان قاجار در امور عام‌المنفعه نیز فعالیت‌هایی داشته‌اند؛ از جمله خازن‌الدوله، زوجه‌ی فتحعلی‌شاه، در سال ۱۳۴۸ ه.ق بنای امامزاده داود را نهاده بود و نیز مهدعلیا به ساخت و تعمیر بناهایی مانند مسجد، کاروان‌سرا، مدرسه و باغ می‌پرداخت، از جمله آن‌ها باغ مهدعلیا، مدرسه حکیم باشی در ارک، بقعه و بارگاه زبیده خاتون در نزدیک شهر ری، مدرسه‌ای در خیابان الماسیه و تعمیر مسجد مادرشاه بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۱۸۴).

اسنادی مبنی بر موقوفات زنان طبقه‌ی اشراف یا به عبارت کلی‌تر زنان برخوردار جامعه‌ی تهران آن زمان به دست آمده‌است؛ تمامی زنانی که صاحب موقوفات بوده‌اند به زیارت خانه‌ی خدا رفته‌اند و از این رو

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۶۷

عنوان حاجیه در اسناد مذکور آمده است و این فرصت و موقعیت، تنها برای زنانی فراهم می‌شد که از طبقه‌ی بالا بوده و پشتوانه اقتصادی محکمی داشتند (ورنر، بی‌تا: ۱۱۶).

آموزش: استفاده معلمان سرخانه و مکتب‌خانه، از شایع‌ترین راه‌های آموزش دختران در اجتماع عهد قاجار بود. اما از آن‌جا که طبقات محروم، استطاعت پرداخت حق‌الزحمه‌ی معلمان سرخانه را نداشتند، این معلمان بیشتر در خدمت زنان و دختران خاندان‌های درباری و اشراف قرار می‌گرفتند. بنابر شواهد موجود، زنان حرمسرای شاهی، از دوران فتحعلی‌شاه تا اواخر دوران قاجار از طریق معلمان سرخانه به سوادآموزی می‌پرداختند. در این زمینه، از شخصی به نام آخوندطالقانی، به‌عنوان معلم مخصوص دختران فتحعلی‌شاه یاد شده است (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۸). سیاحان اروپایی، از آموزش زنان حرمسرا و نقش معلمان سرخانه سخن به میان آورده‌اند: «زنان حرمسرا وظیفه حفظ و نگهداری از فرزندان خود را نداشتند و تربیت آن‌ها به دست لله‌ها بود و معلمان سرخانه وظیفه‌ی آموزش آن‌ها را برعهده داشتند» (بروگشن، ۱۳۶۸: ۲۰۲).

به‌طور دقیق مشخص نیست که دختران درباری و خاندان‌های اشرافی، جز شرعیات و فراگیری قرآن، از معلمان خود چه می‌آموختند؛ اما آنان از رهگذر همین آموزش‌ها قادر می‌شدند تا ضمن نوشتن، کمابیش به مطالعه دیوان‌های شعرایی چون حافظ، فردوسی و سعدی بپردازند. منابع داخلی قاجاریه، اطلاعاتی در این زمینه به دست می‌دهند. دوستعلی‌خان معیرالممالک - نتیجه پسری مهدعلیا - درباره‌ی وی می‌نویسد: «مهدعلیا به ظاهر زیبا نبود، ولی از موهبتات معنوی بهره‌ای به‌سزا داشت. بانویی پرمایه و باکفایت بود. ادبیات فارسی و قواعد زبان عربی را نیک می‌دانست و خط درشت و ریز، هر دو را خوب می‌نوشت» (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۸۸).

سیاحان اروپایی نیز گزارش‌های منابع داخلی را تأیید می‌کنند. لیدی‌شل اظهار می‌دارد که: «زنان طبقه‌ی مرفه معمولاً باسوادند و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند و اغلب آنان قرائت قرآن - نه معنی آن را - می‌دانند. در میان زنان ایل قاجار و به‌خصوص خانواده‌ی سلطنتی، تعداد افراد باسواد خیلی زیاد است و اکثر آن‌ها مکاتبات خود را شخصاً و بدون کمک میرزاها می‌نویسند» (لیدی‌شل، ۱۳۶۸: ۸۹).

دکتر بروگشن وضع آموزش زنان در ایران را این‌گونه توصیف می‌کند: «زنان ایرانی از موقعیت بهتر و برتری از زنان ترکیه برخوردارند. آن‌ها سواد خواندن و نوشتن دارند و می‌توانند قرآن را بخوانند، حتی زنانی یافت می‌شوند که در ادبیات و علوم، تحصیلات عالی دارند، با ادبیات کشور خود آشنا هستند و شعر هم می‌گویند» (بروگشن، ۱۳۶۸: ۲۰۱).

بدون شک دخترانی که در سنین ۸، ۹ و ۱۰ سالگی شوهر داده می‌شدند، سواد چندانی نداشتند، چون فرصت تحصیل نیافته بودند^۳ ولی بودند زانی که در این دوره تحصیلاتی داشتند. از آن جمله فخرالدوله دختر ناصرالدین‌شاه و تاج‌السلطنه یکی دیگر از دختران شاه بودند. تاج‌السلطنه با زبان فرانسه آشنا بود و در وضع زنان اندیشیده و نظریاتی داشت (اتحادیه، ۱۳۷۳: ۳۲).

عرصه‌ی شعر و ادب: از جمله مسائلی که در بررسی تاریخ معاصر ایران کمتر بدان توجه شده‌است وضعیت زنان فرهیخته و هنرمند در دوره‌ی قاجار است. تنها در کتاب‌های معدودی چون خیرات حسان، تاریخ عضدی و تذکره نقل مجلس، زندگی‌نامه‌هایی کوتاه و گذرا از برخی زنان دانشمند و ادیب این دوره ذکر شده‌است، به همین علت جایگاه زنان ایران در عصر قاجار ناشناخته و مبهم است.

گزارش‌های سیاحان خارجی و تذکره‌نویسان ایرانی از شرح حال زنان سخنور و هنرمند این دوره، چه در دربارها و خانواده‌های رجال و چه در دیگر طبقات جامعه، به روشنی بیان‌کننده کثرت این عده است (برگشن، ۱۳۶۸: ۹-۸۶). لیدی‌شل، همسر وزیرمختار انگلیس در دوره‌ی حکومت ناصر، می‌نویسد: «زنان طبقه‌ی مرفه معمولاً باسواد و با شعر و ادب مملکت خویش آشنایی دارند...» (شل، ۱۳۶۸: ۸۹).

از میان زنان فرهیخته دوره‌ی قاجار می‌توان به کسانی چون طاووس‌خانم، دلشاد و آغاباجی اشاره نمود که هر سه از زنان فتحعلی‌شاه قاجار و اهل شعر و ادب بودند (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۵). از میان دختران فتحعلی‌شاه کسانی چون ماه تابان‌خانم ملقب به قمرالسلطنه و حسن جهان‌خانم (همان: ۲۱) طبع شعر داشتند و برخی مانند عصمت، ام‌سلمه و ضیاءالسلطنه علاوه بر شاعری، هنرمند و خوش‌نویس نیز بودند. عده‌ای از زنان نیز استعداد خود را در فنون ظریفه و هنرهای زیبا به‌کار گرفتند و چون خوش‌نویسی و استنساخ قرآن از هنرهای مورد توجه این عصر بود اغلب زنان هنرمند در جرگه خوش‌نویسان درآمدند (همان: ۲۵). عفت‌السلطنه - همسر ناصرالدین‌شاه و مادر مسعودمیرزا ظل‌السلطان - نیز از بانوان هنرمند دوره‌ی قاجار است. بنابر گزارش اعتمادالسلطنه، وی خط شکسته را نیکو می‌نوشت، در علم نجوم و هیئت ماهر بود، شعر می‌گفت و به تصوف و عرفان نیز گرایش داشت (اعتمادالسلطنه، ۱۳۰۴: ج ۲، ۱۸۵). در بین دختران ناصرالدین‌شاه، فخرالدوله، بیش از دیگران صاحب نام و آوازه است. وی که نویسنده‌ی کتاب‌های زرین‌ملک و امیرارسلان است، در هنرهای نقاشی، موسیقی، خوش‌نویسی و شاعری مهارت بسیار داشت

^۳. یکی از عوارض آن، این مسئله است که از ۹۵۵ شاعر و نویسنده دوران قاجار فقط ۷۵ تن یا ۸٪ زن بودند.

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۶۹

(همان: ج ۲، ۲۲). تومان آغا، ملقب به فروغ‌الدوله و مشهور به ملکه ایران هشتمین دختر ناصرالدین شاه از زنان باسواد و هنرمند دربار ناصری بود (حجازی، ۱۳۸۳: ۱۶۶).

ت- زنان حرمسرا و مداخله در سیاست

در دوره‌ی سلطنت آغامحمدخان، با توجه به مشغله‌های گوناگون، ناتوانی جنسی و شخصیت جدی وی، همچنین ایجاد محدودیت‌هایی سخت در اندرون، زنان در مسائل سیاسی کشور مداخله نمی‌نمودند. اما در زمان سلطنت فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه، یعنی بخش اعظم حکومت سلسله قاجار بر ایران، آنان کاملاً اسیر امیال نفسانی و لذت‌های حرمسرا بودند؛ تا آن‌جا که می‌توان گفت؛ زندگی سیاسی آن‌ها تابعی از زندگی خصوصی آنان بود. همان‌طور که گفته شد؛ فتحعلی شاه حتی زنان خود را در لشکرکشی‌ها به همراه می‌برد. البته وی سعی می‌کرد کمتر تحت تأثیر حرف‌های زنان خود قرار گیرد. به همین دلیل، دسته‌بندی‌های سیاسی در زمان او نتوانست بر فضای حرمسرا سایه بیندازد. برخلاف او، ناصرالدین شاه، در موارد زیادی، تحت تأثیر افکار مادر و زنان خود قرار می‌گرفت. گزارش پولاک می‌تواند نفوذ زنان درباری را بر قدرت ناصرالدین شاه نمایان سازد:

«به این خیال واهی دل خوش دارد که فرمان‌روای منحصر به فرد مملکت است؛ در حالی که حقیقتاً هم‌چون توپ‌بازی در دست دیگران است. حال این «دیگران» ممکن است مادرش، همسرش، وزرایش یا هر درباری دیگری باشد که بتواند وقایع و اتفاقات را به نحوی به‌عرض برساند که او الزاماً به همان نتیجه‌ای برسد که گزارشگر خبر بخواهد شاه بیندازد؛ که همه چیز بر وفق مراد و نظر او انجام گردیده است» (پولاک، ۱۳۶۱: ۲۹۴). یک گزارش خارجی دیگر، تأثیر حرم را در امور سیاسی تأیید می‌کند: «تصور نمی‌رود هیچ زمانی در تاریخ ایران اندرون شاه چنان اثرات بزرگی در امور دولتی مانند دوران ناصرالدین شاه داشته باشد. حرمسرای وی متشکل از زنانی از متنفذترین طبقات و اعیان و اشراف ایران بوده است» (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۴۶).

نکته این است که نگهداری حرمسرای بزرگ و پرخرج، از سیاست‌های ناصرالدین شاه به‌شمار می‌رفت؛ زیرا با داشتن نمایندگانی از تمام طوایف و طبقات کشور، به‌وسیله‌ی این زنان اطلاعاتی از سراسر کشور کسب می‌کرد. این امر مورد توجه سیاحان اروپایی قرار گرفته است:

«اول؛ با دور دست‌ترین و سخت‌راه‌ترین گوشه و کنار کشور ارتباط خود را حفظ می‌نمود.

۷۰ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

دوم؛ در بسیاری از مردم ایجاد علاقه می‌نمود و آن‌ها را بخود جلب می‌کرد و می‌فهماند که از هیچ یک از اتباع خود کناره‌گیری نمی‌کند. زن شاه شدن هم افتخار بزرگی است که هر کس را بدان دسترسی نیست. سوم؛ به‌وسیله‌ی زنان خود از کلیه‌ی آن‌چه در سراسر کشور صورت می‌گرفت؛ اطلاع می‌یافت. چهارم؛ مکرر اتفاق می‌افتاد که به‌وسیله زنان خود با خویشاوندان متنفذ و نافرمان آن‌ها به گفتگو می‌پرداخت گاهی آن‌ها را با مقاصد سیاسی به عنوان دیدار قوم و قبیله به مأموریت می‌فرستاد یا خویشاوندان آن‌ها را به بهانه‌ی عیادت از فلان زن که بیمار شده یا دلش تنگ شده‌است، احضار می‌نمود. پنجم؛ این‌که بعضی از زنان اساساً حکم گروگان را داشتند» (همان، ۱۳۴۴: ۱۶۱-۱۶۲).

اما در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه وضعیت کاملاً متفاوت بود. منابع قاجاریه بیان می‌دارند که هیچ‌کس از وی واهمه‌ای نداشت و در اندرون همواره، جاروجنجال و کشمکش برپا بود؛ حال آن‌که تعداد زنان به‌مراتب کمتر از دوره‌ی ناصرالدین‌شاه بود؛ حضرت‌علیا، همسر مظفرالدین بسیار بانفوذ بود و شاه بینوا جرأت جیک‌زدن جلوی زن خود را نداشت (همان، ۱۳۴۴: ۱۶۰). خواهر دوم فرمانفرما که خواهر حضرت‌علیا نیز بود و در زمان مظفرالدین‌شاه، همسر وکیل‌الملک بود، منشی حضور مظفرالدین‌شاه بود و شاه، سخت به او دل‌بسته گشته بود؛ منابع از سیطره او بر شاه و امور کشور گزارش می‌دهند: «زنی بی‌اندازه تسلط طلب، از این جهت تعجبی ندارد که شاه بی‌اراده و صددرصد زیر فرمان او قرار گرفته باشد. این است که در حال حاضر زن وکیل‌الملک، دایره‌مدار کشور ایران است، از کلیه‌ی دست‌خط‌ها، همه‌ی تقاضاها، تمام انتصابات مطلع بوده و شاه، املاک عزیزالسلطان را به وی واگذار کرد» (همان، ۱۳۴۴: ۱۶۴-۱۶۵).

ناصرالدین‌شاه در هنگام تصمیم‌گیری درمورد مسائل کشوری، علاوه بر منجم مخصوص دربار، همواره با یکی از زنان سوگلی خود (منظور انیس‌الدوله) نیز به مشورت می‌پرداخت، زیرا اعتقاد داشت که او «از نوعی ودیعه‌ی پیشگویی» برخوردار می‌باشد (کارلاسرنا، ۱۳۶۳: ۲۰۹).

بعضی از بانوان مزبور خواندن و نوشتن می‌دانستند ولی، بنابر مصلحت، از ظاهر ساختن آن سخت‌خودداری می‌کردند، زیرا هر چند تن، طرفدار و خبرنگار یکی از رجال برجسته دولت بودند (معیرالممالک، ۱۳۶۱: ۱۰۳). ماه‌رخساره - همسر ناصرالدین‌شاه - به طور محرمانه فرامین شاه را مطالعه می‌کرد و به اطلاع امین‌السلطان می‌رسانید (تاج‌السلطنه، ۱۳۷۱: ۵۰).

زنان فتحعلی‌شاه تقاضاهای خود را از طریق یکی از زنان عالی‌رتبه به گوش شاه می‌رساندند. سنبل‌خانم مادر شعاع‌السلطنه از زنان اصلی فتحعلی‌شاه، واسطه‌ی عرایض مردم به حضور فتحعلی‌شاه می‌گردید و مکرر

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۷۱

شکایات رعایای خمسه را از شعاع السلطنه به عرض شاه رسانیده و می‌گفت نمی‌خواهم کسی مظلوم واقع شود و از شاه شکایات نماید. پسر م باید از مصدر قدرت معزول شود (عضدالدوله، ۱۳۲۸: ۱۵۴-۹). آغاباجی، همسر دیگر فتحعلی‌شاه، با اعمال نفوذ حتی موفق به رهایی محکومان از چوبه‌ی دار نیز می‌گردید. گزارش‌های خارجی‌ان این دوران، از دادخواهی انیس‌الدوله به نفع مردم و نیز نقش تعیین‌کننده او در قدرت سخن به میان آورده‌اند: «انیس‌الدوله، همسر ناصرالدین‌شاه، نیز به تمام معنی پیش‌کار و شریک سلطنت ناصرالدین‌شاه بود و در تمام ایران نام نیک و خاطر بسیار شیرین به علت دادخواهی مردم فرودست به یادگار گذاشته است» (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۶۱). درجای‌جای منابع دوره‌ی قاجاریه از دخالت انیس‌الدوله در مسائل گوناگون سخن به میان آمده‌است؛ حتی به این‌که وی از وزیر مخصوصی در اداره‌ی امور مورد دخالتش بهره می‌برده؛ اشاره شده‌است (بصیرالملک، ۱۳۷۴: ۱۶۳، ۷۲) و نیز از این‌که برادرانش با نام‌های محمدحسن‌خان و حبیب‌الله‌خان در اداره‌ی امور با انیس‌الدوله مشارکت می‌کرده‌اند، بسیار سخن گفته شده‌است (همان: ۱۶۳، ۱۵۱، ۱۴۱، ۳۱۱، ۴۳۴).

واگذاری مناصب حکومتی: در دوره‌ی قاجاریه، در صحنه‌ی سیاسی ایران، بانوان حرم در واگذاری مناصب دیوانی و اداری کشور، نقش به‌سزایی ایفا می‌کردند. این نقش، علاوه بر مزایای اقتصادی برای آنان، از عوامل شوکت و قدرت آنان در میان کارگزاران حکومتی به‌شمار می‌آمد. در واقع، این گروه، فرمان واگذاری مناصب را به امضای شاه می‌رسانیدند:

«در حین قدم زدن و تماشای مناظر قصر، بانوان ناصرالدین‌شاه، فرمان حکومت ایالات و استان‌داری و یا مناصب دیگر را چه لشکری و چه کشوری به‌صحنه شاه می‌رساندند، البته در این فرمان‌ها ضمیمه هم دارد و کمتر از صد اشرفی نخواهد بود که باید تقدیم گردد، میزان تقدیمی، بسته به درجه و عنوان مأموریت و منصب بوده‌است. این گونه اقدامات از درباریان بود که با هر یک از بانوان حرم نسبت داشته باشند و یا جلب توجه به‌واسطه رشوه و تقدیمی‌ها نموده باشند یعنی هم در تقدیمی شاه و هم سهم خود آن بانو که باید احکام را به امضاء برساند» (اعظام‌قدسی، ۱۳۴۲: ۷۲).

زمانی که امیرکبیر به اصلاح سیستم واگذاری مناصب حکومتی پرداخت و دایره نفوذ بانوان حرم محدود گردید، این گروه، با دیگر بازیگران عرصه‌ی سیاسی کشور، یعنی شاهزادگان، برای ناکام گذاشتن این اصلاح نوین متحد شدند؛ زیرا امیرکبیر این‌گونه واگذاری را به‌کلی موقوف کرد و فرامین برای صدور، از طرف مستوفیان برحسب ابلاغ صدراعظم حاضر و برای امضای شاه فرستاده می‌شدند؛ پس از امضای

۷۲ پژوهش زنان، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۸

شاه، در دفتر ثبت می‌گردید. چنانچه فرمان یا حکمی ثبت نشده باشد، حتی اگر دارای امضاء شاه باشد، به اجرا گذارده نمی‌شد. اقدامات و تشکیلات امیرکبیر، در نتیجه‌ی شکایت‌های فراوان ناصرالدین‌شاه از بانوان حرم بود که در موارد عدیده به حالت عصبانی، شاه با امیر اظهار می‌کرده است، تا این‌که امیر تشکیلات خود را نظم بخشید و مستوفیان مسئول اداره‌ی امور ایالات گردیدند.

شاهزادگان بعد از مشاهده این اصلاحات، به علت قطع مستمری‌ها و نیز مسدود شدن راه تأیید فرامین و احکام که توسط مهدعلیا و امین‌اقدس و دیگر بانوان به امضاء می‌رسید بر ضد امیر با حرمسرا متحد شدند (همان، ۱۳۴۲: ۷۳).

از جانب دیگر، به‌صورت گریز ناپذیری خویشاوندی با شاه وقت، دیر یا زود امتیازاتی را در پی داشت. برادران انیس‌الدوله - که به شغل پینه‌دوزی مشغول بودند- به حکومت کاشان و قم دست یافتند (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۹۸). جیران، همسر سوگلی ناصرالدین‌شاه که در گذشته رقاصه‌ای بیش نبود، وسیله دریافت حکومت یکی از ولایات برای پدرش گردید و یکی از خوبانش که حتی سواد خواندن و نوشتن هم نداشتند به سمت فراش خلوت شاه برگزیده شد (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۶۲).

امینه‌اقدس نیز، برادر زاده خود، معروف به ملیجک را محرم اسرار و خلوت شاه کرد و حکومت قم را نیز مدتی برای برادرش دست‌وپا کرد. در سال ۱۳۱۱ هـ.ق، با توصیه و اعمال نفوذ انیس‌الدوله، نظام‌السلطنه مافی از حکومت فارس معزول و رکن‌الدوله به جای وی منصوب گردید.

به تدریج قدرت زنان سوگلی در دوران ناصری و مظفری به حدی گسترش یافت که محل اقامت آنان، در کنار اماکن مقدس و دیگر مراکز بست، به مأمّن گناهکاران و بی‌گناهان برای فرار از مجازات و نیز بست نشینی گردید (کرمانی، ۱۳۶۲: ۵۰۸). علاوه بر این گزارش ناظم‌الاسلام کرمانی، منابع دوران ناصری، از قرار گرفتن مکان سکونت برخی از بانوان حرم، به عنوان محل بست، اطلاعاتی در اختیار ما قرار می‌دهند؛ بنابر گزارش اعتمادالسلطنه در دوران ناصری، منزل امینه‌اقدس محل بست بود و حتی شاهزادگان و رجال سیاسی وقت، به هنگام نیاز بدان ملتجا می‌شدند، هم‌چنین محل اقامت انیس‌الدوله، چه در سفر، چه در حضر، محل بست بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۹۶۴).

قدرت زنان حرم در دوره‌ی ناصری به گونه‌ای بوده‌است که حتی در تغییر عالی‌ترین مقام دربار، یعنی صدراعظم، آشکارا مشارکت می‌کردند. جیران (فروغ‌السلطنه)، یکی از زنان قدرتمند ناصرالدین‌شاه، مرگ

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۷۳

مشکوک فرزندش ملک قاسم میرزا را که به تازگی (۱۱۸۵ م، ۱۲۷۵ هـ. ق) به ولیعهدی انتخاب شده بود، به وزیر اعظم، میرزا آقاخان نوری، نسبت داد و زمینه‌ی سقوط وی را فراهم ساخت (امین‌الدوله، ۱۳۴۱: ۱۱-۱۲). علاوه بر مورد میرزا آقاخان نوری، باید مقدمات سقوط میرزا حسین خان سپهسالار را در انتقام‌جویی انیس‌الدوله جستجو کرد؛ زیرا انیس‌الدوله بعد از این که در جریان سفر ناصرالدین شاه به فرنگ از روسیه به توصیه میرزا حسین خان سپهسالار صدراعظم بازگردانده شده بود؛ سوگند یاد کرد که انتقام چنین عملی را از صدراعظم بگیرد و به مجرد مراجعت به تهران، با دشمنان صدراعظم ساخت و برخی از روحانیون را علیه وی - که در میان مردم از وجهه‌ی چندانی برخوردار نبود - تحریک نمود و با حمایت‌های فرهاد میرزا، عمومی شاه که در غیاب وی نایب‌السلطنه بود، مقدمات سقوط وزیر را فراهم ساخت (کارلاسرنا، ۱۳۶۲: ۷۹).

باید اذعان داشت با فشارهای زنان حرمسرا، در قالب گریه و به دست گرفتن قرآن از سوی آنان، امین‌الدوله از منصب صدارت اعظمی در عهد ناصری عزل می‌گردد (کسروی، ۱۳۶۹: ۲۳). در دوره‌ی مظفرالدین شاه، با اعمال نظرهای حضرت‌علیا، خواهر فرمانفرما که همسر مظفرالدین شاه بود، فرمانفرما به حدی قدرت می‌یابد که به خود حق دخالت در تمام امور کشور را می‌دهد (کاساکوفسکی، ۱۳۴۴: ۱۶۵).

دخالت مستقیم

مهدعلیا بر اریکه‌ی قدرت: بارزترین شخصیت سیاسی زن در این دوره، مهدعلیا، مادر ناصرالدین شاه بود. او توانست با مهار قدرت، بعد از مرگ محمدشاه، ساختار سیاسی کشور را از بحران حفظ نموده و حاکمیت خود را تداوم بخشد. در واقع، در هنگام مرگ محمدشاه، بانوی سرای سلطنت مهدعلیا بود. توصیه‌های محمدشاه در هنگام مرگ به وی، این‌گونه گزارش شده است: «... اکنون رأی آن است که اگر توانی پس از من تو خود این بلد را به نظم کنی و زمام دولت را از دست نگذاری و خزانه‌ی دولت و اثاثه‌ی سلطنت را حفظ و حراست فرمایی» (سپهر، ۱۳۳۷: ۲۱۰). بعد از مرگ محمدشاه تا رسیدن شاه جدید از آذربایجان، اداره‌ی امور کشور به دست مهدعلیا بود، او توانست شورش سواران مافی و شاهسون را که در حومه‌ی شهر به غارت دست گشوده بودند سرکوب کند و انتظام امور را برقرار نماید:

«... آن‌گاه چون اختلاف کلمه و تشنت آرای بزرگان ایران و چاکران سلطان را نیک می‌دانست و هم‌چنان از شورش مردم کرمان و فتنه خراسان آگاهی داشت، بر سلطنت فرزند هراسان بود؛ پس به تدبیری که هیچ وزیر کار آگاه تصویر آن نتوان کرد و حکمتی که هیچ عاقل و دانا به وصول آن توانا نتواند بود به حفظ حوزه‌ی مملکت و تقویم قوایم سلطنت پرداخت ... به صلاح‌دید امرای درگاه مهدعلیا

۷۴ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۸

بهر شهر و بلد فرمان فرستاد که حکام و عمال دست از خدمت خویش باز نگیرند و هیچ کس حکمی که از سابق رفته دیگرگون نکنند...» (سپهر، ۱۳۳۷: ۱۰-۵).

از جمله شیوه‌های اعمال قدرت از طرف مهدعلیا، قرار گرفتن در جایگاه حمایت از عناصر متخلف در دربار بود. همیشه تنی چند از شاهزاده‌های بیکار و تن‌پرور قاجار در بزم شرکت می‌جستند و مادر شاه، معرکه گردان این دارودسته‌ها بود. یکی از دلایل دشمنی مهدعلیا با امیرکبیر، همین بود که او در دوران صدرات خود، دایره‌ی عمل درباریان و از جمله مهدعلیا را بسیار محدود کرده بود؛ تا آن‌جا که بسیاری از جیره و مواجب‌هایی را که این عده به خود اختصاص داده بودند، به کلی قطع کرده بود و آن‌ها را از اطراف مادرشاه رانده بود و امیرکبیر حتی به ناصرالدین‌شاه پیشنهاد کرده بود که والده را از جهت این‌که در امور دخالت نکند به قم بفرستد و از شاه در آن‌جا مستمری بگیرد. این‌ها همه اسباب دشمنی بیشتر مهدعلیا را با امیرکبیر فراهم کرد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۸: ۳۴).

این زن با حمایت انگلیس، سرسختانه در مقابل اصلاحات امیرکبیر ایستاد و با همکاری امین‌اقدس، کمیته‌ای را برای عزل امیرکبیر تشکیل دادند (اعظام‌قدسی، ۱۳۴۲: ۷۳) و با تلقین‌ها و اعمال نفوذ مداوم در شاه جوان و سوق دادن هر چه بیشتر او در لذات حرمسرا و نیز اتهام به امیر مبنی بر توطئه برای تصاحب تاج و تخت، زمینه‌ی عزل و در نهایت قتل وی را در فراهم کرد. مهدعلیا با حمایت از میرزا آقاخان‌نوری، وی را به منصب صدرات اعظمی رساند. سیاحان اروپایی نیز در این دوران، قدرت تعیین‌کننده مهدعلیا را به تصویر کشیده‌اند: «ملکه مادر ... دارای نفوذ بسیار است که به‌خصوص آن را به هنگام انتصاب حکام و وزرا و ازدواج‌های شاه اعمال می‌کند» (پولاک، ۱۳۶۱: ۱۶۴).

تعامل با سفرای خارجی: استعمار کلاسیک سده‌ی نوزدهم میلادی، در بهره‌گیری از کارگزاران صحنه‌ی سیاسی ایران، عناصر قدرتمند حرمسرا را به عنوان بازیگرانی مؤثر در مناسبات درونی قدرت در ایران، مورد توجه قرار داد. همسر سرگورازلی، سفیر انگلیس در ایران، در نوامبر ۱۸۱۱م، با تقدیم قطعه الماسی، به دیدار آغاباجی، همسر فتحعلی‌شاه نایل آمد و زمینه‌ی نفوذ بر این زن تأثیرگذار فراهم شد (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۳۸). تاج‌الدوله، همسر فتحعلی‌شاه، به علت علاقه‌مندی به ارتباط با انگلیسی‌ها، برای آن‌ها میهمانی ترتیب می‌داد. مهدعلیا از طریق میرزا آقاخان‌نوری، با سفارت انگلیس در تهران ارتباط نزدیکی برقرار کرده بود و در جهت تثبیت قدرت انگلیس در ایران تلاش می‌نمود (شل، ۱۳۶۸: ۷۲). خدیجه‌بیگم مادر عباس‌میرزا ملک‌آرا، زن محبوب محمدشاه، نفوذ انگلیسی‌ها را تعیین‌کننده می‌دانست و بعداز مرگ شاه، از کلنل

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۷۵

فارات - کاردار سفارت بریتانیا - برای پسرش تقاضای حمایت کرد، زیرا به جان پسرش از جانب مهدعلیا نگران بود. انیس‌الدوله نیز از سوی شاه مأمور پذیرفتن خانم‌های فرنگی در دربار بود؛ گزارش ویلر بنجامین حاکی از آن است که وقتی سفیر اول ممالک متحده‌ی امریکایی در صدد برآمد از تهران عزیمت و مراجعت نماید، انیس‌الدوله، زن و دختر او را به اندرون دعوت کرد (ویلر بنجامین، ۱۳۶۳: ۲۵۹). عثمانی‌ها نیز جایگاه زنان درباری را محترم می‌شمردند؛ زمانی که، نصرت پاشا، سردار عثمانی، به حضور ناصرالدین‌شاه رسید، حامل نشان امتیاز برای شاه و نشان شفق برای امینه‌اقدس بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۵: ۴۴۳). در ۵ جمادی‌الاول، ۱۳۱۱ اعتمادالسلطنه، از سوی انیس‌الدوله مأمور می‌شود تا به سفیر روس، پیام تسلیتی در باب مرگ امپراطور روس - الکساندر سوم - ابلاغ کند (همان: ۱۱۲۰). نکته این است که این ارتباطها مملو از نیات و اغراض سیاسی بود. کمپانی رویتر، علاوه بر وزرا و درباریان، به زنان حرم نیز رشوه پرداخت (دیولافوا، ۱۳۳۲: ۱۰۵). یکی از عوامل کنار زدن میرزا حسین‌خان سپهسالار، انیس‌الدوله بود که برای این کار یکی از سفرای اروپایی را به کمک طلبیده بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۴۹: ۲۶۹).

ج- جنبش‌های اجتماعی

جنبش‌های اجتماعی که به دنبال دستیابی به اهداف خاص و گسترش ارزش‌های معینی هستند، همواره سعی در افزایش اعضا، هم در میان توده‌ها و هم در بین نخبگان و برگزیدگان جامعه دارند؛ از این‌رو، بین نخبگان و جنبش‌های اجتماعی ارتباط تنگاتنگی وجود دارد؛ زیرا جنبش‌های اجتماعی یا از نخبگان حمایت می‌کنند یا خود مورد حمایت آنان قرار می‌گیرند (روشه، ۱۳۷۹: ۱۲۹). در واقع، جنبش فکری سده‌ی نوزدهم ایران که تحت تأثیر تحولات درونی و بیرونی شکل گرفته بود، به دنبال خود یک جنبش اجتماعی را تدارک دید که نمودهای آن در قیام‌های این دوران تجلی یافت؛ زیرا جنبش اجتماعی همیشه با یک اساس فکری جدید مشخص می‌گردد (همان: ۱۳۰). مشارکت زنان در جنبش‌های اجتماعی، نمونه‌ی بارز تغییر اجتماعی در ساخت سنتی جامعه ایران بود. اگر زنان درباری را در زمره اجزایی از نخبگان قدرت قرار دهیم، خواهیم توانست رابطه‌ی جنبش‌های اجتماعی سده‌ی نوزدهم میلادی در ایران را با بخش‌هایی از نخبگان ترسیم نماییم. مشارکت زنان حرم شاهی در جنبش‌های اجتماعی دوره‌ی قاجار، در چارچوب اصل عمومیت یافتن جنبش‌ها و این که جنبش‌ها خود را تحت حمایت برگزیدگان قرار می‌دهند، قابل ارزیابی خواهد بود. در جنبش تنباکو و نهضت مشروطیت ایران، زنان حرم به سایر اقشار اجتماعی پیوستند و آثاری از آنان در جنبش‌های اجتماعی قابل رویت است.

۷۶ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸

جنبش تنباکو: در جنبش تنباکو نیز نقش زنان دهقان زاده‌ی درباری قابل توجه است، اما تلاش این دسته از زنان در مخالفت با سلطنت را نمی‌توان در پرونده‌ی زنان مرفه و اشراف قرارداد، آنان بیش از دربار به جامعه‌ی دهقانی و روستایی تعلق داشتند (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۰).

بعد از اعلام روحانیون مبنی بر قیام علیه قرارداد رژی، این زنان با اقدامات شاه به مخالفت برخاستند؛ در این حادثه بسیاری از زنان درباری به حدی منقلب بودند که تمام قلیان‌های بلوری، چینی و گلی را شکستند و همه‌ی آثار دخانیات را از عمارت سلطنتی پاک کردند. در این حرکت، همه‌ی زنان هم‌دست بودند، هم‌دستی زنان و پافشاری آنان، شاه را شگفت زده کرده، به‌طوری که شاه با خشم و غضب می‌گفت: «زن‌هایم حاضر بودند، برای خوشی من، جان خود را فدا کنند، اما امروز، حتی از دادن یک قلیان به من مضایقه می‌کنند» (اجتهادی، ۱۳۸۲: ۱۶۲).

اوج مخالفت زنان حرمسرا با قرارداد را می‌توان در اقدام انیس‌الدوله، زن سوگلی شاه، دید. شاه، درخواست قلیان کرد، ولی او که ریاست حرمسرا را بر عهده داشت، گفت: «کشیدن قلیان حرام است». شاه گفت: «چه کسی آن را حرام کرده؟» وی جواب داد: «همان کسی که مرا به تو حلال کرده است» (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۰). **جنبش‌های آزادی خواهانه و مشروطه:** تاریخ جنبش حقوق زنان در ایران زمان قاجار با دیگر جنبش‌های اجتماعی، مذهبی و فکری در این دوره نظیر لیبرالیسم، دموکراسی اجتماعی و بایسیم در ارتباط می‌باشد. نمود اولیه‌ی فمینیسم در ژوئن ۱۸۴۸ (۱۲۶۶هـ.ق) در بهدشت، روستایی در مرز مازندران و خراسان؛ توسط قره‌العین (۱۸۱۴-۱۸۵۲م)، رهبر زن با بیان پدیدار گشت؛ به‌طوری که وی، حجاب خود را در نزد جمعیتی متحیر کنار زد؛ همچنین عقاید لیبرالی اروپاییان، همراه با اصلاحات اجتماعی صورت گرفته در ترکیه، قفقاز، مصر و هند حرکت اجتماعی سیاسی زنان را تحت تأثیر قرار داد.

مهدعلیا و فخرالدوله، دختر مظفرالدین‌شاه (همسر امین‌الدوله) که به ظاهر به خاطر مهارت‌های کارآفرینی خود حتی بعدها مورد تحسین رضاشاه قرار گرفته بود. فعالیت‌های این زنان اغلب از انگیزه‌های خانوادگی و شخصی سرچشمه می‌گرفت. مشارکت زنان در انقلاب مشروطه، ۲۴-۱۳۳۹/۰۶-۱۹۱۱، موجب بسط ماهیت توده‌ای آن شد و به یک‌باره علاقه‌ی خاص زنان را کانون توجه قرار داد (افاری، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۷).

موضوع انجمن‌های زنان در مجلس اول با حمایت مردانی نظیر سیدحسن تقی‌زاده، حاج‌شیخ تقی و وکیل‌الرعا یا در تابستان ۱۹۱۱ در مجلس دوم مورد بحث قرار گرفت. اگر چه مجلس حمایت دیگری از سازمان‌های زنان نکرد، ولی به آن‌ها اجازه داده شد به فعالیت خود ادامه بدهند، یکی از این انجمن‌ها، انجمن

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۷۷

آزادی زنان (یا انجمن حریت زنان) بود که دو دختر ناصرالدین شاه را به نامهای تاج السلطنه و افتخار السلطنه وارد صفوف خود کردند. فعالیت زنان بعد از بسته شدن مجلس در ۱۹۱۱ ادامه یافتند. تاج السلطنه (۱۸۸۴-۱۹۳۶) بسیاری از جزئیات زندگی خود را در یادداشت‌هایش، با عنوان خاطرات تاج السلطنه، آشکار ساخت. وی در مورد حقوق زنان می‌گوید: «اگر زن‌ها در این مملکت، مانند سایر ممالک آزاد بودند و حقوق خود را در مقابل داشته و می‌توانستند در امور مملکتی و سیاسی داخل شوند و ترقی کنند» (تاج السلطنه، ۱۳۷۱: ۹۸).

او خواهان حقوق طبیعی و مشروطیت و آزادی زن و مرد بود، وی ستایشگر سیدجمال‌الدین اسدآبادی بود (تاج السلطنه، ۱۳۷۱: ۴۹) و در مورد مشروطه می‌گوید: «مشروطه را عمل کردن به شرایط آزادی و ترقی یک ملت بدون غرض و خیانت؛ تکلیف هر ملت ترقی خواهی و استرداد حقوق اوست. چون اداره‌ی مملکت بر اساس مشروطه و «رگلمان» صحیحی قرار گیرد، ترقی به قدرت قانون حاصل شود و قانون موقعی به اجرا درآید که استبداد بر چیده شود. از این رو مشروطه بهتر از استبداد است» (آدمیت، ناطق، ۱۳۵۶: ۱۶۳).^۴ از دیگر زنان آزادی‌خواه در عهد قاجار تومان‌آغا (فروغ‌الدوله) بود، وی به همراه همسر آزادی خواهش، علی‌خان قاجار «ظهیرالدوله»، در انجمن اخوت و درویش صفی علیشاهی فعالیت می‌کرد. مانند شوهرش با برادرش مظفرالدین شاه مخالفت می‌کرد و از خودکامگی‌های برادرزاده‌اش محمدعلی شاه رنج می‌کشید (حجازی، ۱۳۸۳: ۱۶۵).

در عهد محمدعلی شاه، همسر وی از جمله پیشتازان مخالفت با نهضت مشروطه ایران بود. انگیزه وی در این کار، کاهش شدید قدرت وی به عنوان ملکه کشور، تحت اصول و قوانین مشروطه و مجلس بود. او مکرر در نزد شاه و دوستانش شکایت می‌کرد که «با وجود مشروطه و مجلس من به مراتب از انیس‌الدوله و امینه‌اقدس بدبخت‌تر هستم. زیرا آنان قادر بودند که خویشاوندان خود را به وزارت و حکومت برسانند، در حالی که برای من چنین قدرتی میسر نیست» (دلریش، ۱۳۷۵: ۲۲-۲۳).

بعد از به توپ بستن مجلس و شروع استبداد صغیر، ملکه به خاطر مساعدت‌های که در این راه به خرج داده بود، لقب شریک السلطنه را دریافت می‌کند و قدرت او همچنان فزونی می‌گیرد که حتی به لغو و ابطال فرمان‌های صادره از سوی شاه نیز اقدام می‌کند. پس از آن که محمدعلی شاه، تحت فشار مشروطه خواهان داخل و خارج، به‌ظاهر تصمیم به بازگشایی مجدد مجلس گرفت، ملکه با جسارت تمام،

^۴ به نقل از خاطرات تاج السلطنه نسخه‌ی خطی

۷۸ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸

افراد تحت امر خویش را برای محو اعلان‌های صادره از او می‌فرستد و عملاً رو در روی محمدعلی‌شاه قرار می‌گیرد (ملک‌زاده، ۱۳۶۳: ۵-۴۹۹).

بدین‌گونه، دو دسته از زنان درباری با مواضعی متعارض، در تاریخ جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان به ثبت رسیده‌است. گروهی که هم‌چون تاج‌السلطنه، از مشروطه‌خواهی به عنوان اندیشه ترقی حمایت می‌کنند و گروه دوم که می‌توان از همسر محمدعلی‌شاه نام برد با مشروطیت به دلیل محدود کردن قدرت حرم شاهی به مخالفت برخاستند.

نتیجه‌گیری

نکته این است که از جمله دلایل اصلی تجمع زنان در دربارهای قاجار، به‌ویژه در ایام فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه، ارضای امیال نفسانی حکمرانان وقت بوده‌است. ازدواج‌های سیاسی و جلب حمایت و وفاداری امرا، حکمرانان و رؤسای قبایل نیز یکی دیگر از علل تجمع زنان در دربار و حرمسرا بوده‌است. حرمسرا، محلی برای توطئه‌ها و دشمنی‌های زنان بود. البته از طریق واگذاری مناصب تشریفاتی در حرمسرا، مشارکت در ساختار اداری حرم، برپایی مراسم مذهبی و آموزش زنان درباری کوشیدند نظام حرمسرا را ساماندهی نمایند. از بین زنان درباری و بزرگ‌شده‌ی حرمسرا کسانی بودند که به مراتب بلندی در شعر و ادب رسیدند. این امر حاکی از وجود آموزش‌هایی بسیار بالاتر از سطح جامعه در دربار می‌باشد.

زنان درباری در دوره‌ی فتحعلی‌شاه در حد واسطه بین مردم و حضرت خاقان در امور دخالت می‌کردند. اما در دوره‌ی ناصر‌نقوذ زنان اندرونی در امور سیاسی مملکت بسیار مشهود است. این روند، در دوره‌ی مظفرالدین‌شاه به سیطره کامل زنان قدرتمند حرم بر شاه و امور کشور انجامید. فعالیت سیاسی زنان حرم، تابعی از اقتدار خانوادگی و شخصی و نیز، قدرت و اراده‌ی شاه متغیر بوده‌است. نکته‌ی قابل تأمل این است که در اواخر دوره‌ی قاجاریه به دلایلی چون انقلاب مشروطه؛ بحران‌های اقتصادی و سیاسی و جو انتقادی حاکم بر مطبوعات، سنت حرمسراهای گسترده از میان رفت.

باید اذعان داشت دخالت زنان قدرتمند دربار در امور سیاسی، از طریق دخالت در واگذاری مناصب حکومتی و حتی تکیه مستقیم بر مسند قدرت و به‌ویژه تعامل با سفرای خارجی، برای اهداف شخصی و سیاسی صورت می‌گرفت. مشارکت آنان در جنبش‌های اجتماعی، تابعی از تغییرات، در ساخت اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی سنتی ایران به‌شمار می‌آید.

کارکردهای سیاسی-اجتماعی حرمسرا در عهد قاجار ۷۹

منابع

- آدمیت، فریدون؛ ناطق، هما (۱۳۵۶) افکار اجتماعی و سیاسی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، تهران: آگاه.
- اتحادیه، منصوره (۱۳۸۰) «نقش زنان در انقلاب مشروطه» تاریخ معاصر ایران، سال ۵، شماره ۱۸، صص ۱۶۹-۱۵۷.
- اجتهادی، مصطفی (۱۳۸۲) دایره‌المعارف زن ایرانی، ج ۱، تهران: مرکز امور مشارکت زنان.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷) تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
- _____ (۱۳۴۹) صدرالتواریخ، تصحیح محمد مشیر، تهران: وحید.
- _____ (۱۳۴۵) روزنامه‌ی خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سال‌های ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ ه.ق، مقدمه‌ی ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- اعظام قدسی، حسن (۱۳۴۲) خاطرات من، روشن شدن تاریخ صدساله، بی‌جا، بی‌نا.
- افاری، زانت (۱۳۸۴) «جنبش‌های فمینیستی در ایران دوره‌ی قاجار»، ترجمه‌ی علی اردستانی، چیستا، شماره ۲۲۱، صص ۶۶-۷۰.
- امین‌الدوله، میرزاعلی‌اصغر خان (۱۳۴۱) خاطرات امین‌الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران: امیرکبیر.
- اولیویه (۱۳۷۱) سفرنامه اولیویه، محمدطاهر میرزا، تصحیح غلامرضا و رهرام، تهران: اطلاعات.
- بروگشن، هینریش (۱۳۶۸) سفری به دربار سلطان صاحبقران، ترجمه‌ی کردیچه، تهران: اطلاعات.
- بصیرالملک‌شیبانی (۱۳۷۴) روزنامه خاطرات بصیرالملک‌شیبانی، به کوشش ایرج افشار و محمدرسول دریاگشت، تهران: دنیای کتاب.
- پولاک، یاکوب‌ادوارد (۱۳۶۱) سفرنامه پولاک: ایران و ایرانیان، ترجمه‌ی کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاج‌السلطنه (۱۳۷۱) خاطرات تاج‌السلطنه، به کوشش منصوره اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۳) تذکره اندرونی، تهران: قصیده‌سرا.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵) زن در دوره‌ی قاجار، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- (۱۳۷۴) «نگاهی به وضع زنان درباری در عهد قاجار»، فصلنامه‌ی هستی، بهار ۱۳۷۴، صص ۷۸-۶۶.
- دیولافوا، مادام (۱۳۳۲) سفرنامه مادام دیولافوا، ترجمه‌ی فره‌وشی، تهران: خیام.
- روشه، گی (۱۳۷۹) تغییرات اجتماعی، ترجمه‌ی منصور وثوقی، تهران: نشر نی.
- سلطانی‌مقدم، سعیده (۱۳۸۸) «زنان در دربار»، پژوهشکده باقرالعلوم (ع)، تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۹/۰۴ آدرس سایت: <http://www.pajoohe.com>.
- شل، ماری لئونورا (۱۳۶۸) خاطرات لیدی شل، ترجمه‌ی حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.
- شیبانی، میرزاابراهیم (۱۳۶۶) منتخب التواریخ، تهران: علمی.
- شیرودی، مرتضی (۱۳۸۴) «نقش اجتماعی-سیاسی زنان در جامعه‌ی معاصر ایرانی»، پژوهش زنان، دوره‌ی سوم، شماره ۲، صص ۹۳-۷۵.
- عضدالدوله، سلطان احمد میرزا (۱۳۲۸) تاریخ عضدی، به اهتمام حسین کوهی کرمانی، تهران: مظاهری.
- (۱۳۷۶) تاریخ عضدی، با مقدمه‌ی عبدالحسین نوایی، تهران: نشر علم.
- فووریه (۱۳۲۵) سه سال در دربار ایران، ترجمه‌ی عباس اقبال آشتیانی، تهران: دنیای کتاب.
- کارلاسرنا (۱۳۶۲) سفرنامه مادام کارلاسرنا؛ آدم‌ها و آیین‌ها در ایران، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: زوار.

۸۰ پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸

- کاساکوفسکی (۱۳۴۴) خاطرات کلنل کاساکوفسکی، ترجمه‌ی عباس‌قلی‌جلی، تهران: امیرکبیر.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام (۱۳۶۲) تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱، تهران: فرهنگ.
- کسروی، احمد (۱۳۶۹) تاریخ مشروطه ایران، چاپ پانزدهم، تهران: امیرکبیر.
- کسری، نیلوفر (۱۳۸۸) «حرمسرای شاهی»، نشریه الکترونیکی زنان، شماره ۱۵، تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰، آدرس سایت: ICHS. -----
- (۱۳۸۸) «سلسله مراتب و مشاغل زنان اندرون»، نشریه الکترونیکی زنان، شماره ۱۶، تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۱۰/۲۰، سایت ICHS.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۳۷) ناسخ التواریخ، به اهتمام جهانگیرقائم مقامی، تهران: امیرکبیر.
- معبیرالممالک، دوستعلی‌خان (۱۳۶۱) یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه، تهران: نشر تاریخ ایران.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۶۰) شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره‌ی قاجاریه، ج ۱، تهران: زوار.
- ملک‌زاده، مهدی (۱۳۶۳) تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۲، تهران: سقراط.
- ورنر، کریستف (بی‌تا) «زنان واقف در تهران عهد قاجار»، میراث جاویدان، ترجمه‌ی نسیم مجیدی قهرودی، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱۱۵-۱۲۲.
- ویلرینجامین، ساموئل‌گرین (۱۳۶۳) خاطرات و سفرنامه ساموئل‌گرین ویلرینجامین، ترجمه‌ی محمدرضا زاده‌ملک، تهران: گل‌بانگ.
- هدایت، مهدی‌قلی‌خان (۱۳۶۲) گزارش ایران، به اهتمام محمدعلی صوتی، چاپ دوم، تهران: نقره.
- (۱۳۷۳) «زن در جامعه قاجار» کلک پژوهش، شماره ۵۶ و ۵۵، صص ۵۰-۲۷.